

# و چند نشانه یک تیر

## چکیده:

آن چه می خوانید برداشت هایی گاه متفاوت با «بیاموزیم» های کتاب های فارسی دبیرستان و با کتاب های دستور زبان قدیم و جدید است که صرفاً با تکیه بر زبان شناختی به دست آمده است. نویسنده در این مقاله جایگاه جمع های مکسر، صفت های تفصیلی و عالی (و قبلاً له و علیه) را با چنین دیدگاهی بررسی کرده است. دیدگاه دیگر که مربوط به «بیاموزیم» ها و کتاب های دستور زبان و لغت نامه هاست این است که کلمات و اصطلاحات و قالب های عربی رایج در فارسی جایگاه تاریخی و فرهنگی و مذهبی ریشه داری دارند و لازم است نحوه کاربرد آن ها به موازات کاربرد زبان فارسی مورد توجه قرار گیرد (مثلاً به کار بردن کلمات والدین، توأمان، ابوی و...). تأکید به پاسداری از زبان عربی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و تدریس آن در کلیه دوره های راهنمایی و متوسطه از بعد از انقلاب، بستر و زمینه ساز این دیدگاه است و دانش آموزان به خوبی می توانند با ظرافت های عربی رایج در فارسی آشنا شوند و این واقعیتی است که بیش و کم از دید زبان شناسی امروز دور مانده است. اینک در انتظار تحلیل های بعدی این مباحث از سوی شما دبیران و صاحب نظران از هر دو دیدگاه هستیم و یافته های ارسالی شما بی شک مورد استقبال خوانندگان مجله قرار خواهد گرفت.

رشد  
آموزش زبان  
و ادب فارسی

۵۸

دوره بیستم  
شماره ۲  
تابستان ۱۳۸۶

## ۱. تحلیل زبان شناختی جمع های

### مکسر

#### ۱-۱ طرح مسئله

بیاموزیم زبان های فارسی «۱»، ص ۷۶، کاربرد نشانه ی جمع فارسی «ها» را با جمع مکسر عربی نادرست می داند اما معتقد است بعضی از جمله های مکسر عربی با معنی مفرد در زبان فارسی به کار می روند. مانند طلبه (جمع طالب) عمله، اسلحه و... [در نتیجه دوباره جمع بستن آن ها با نشانه ی جمع فارسی، صحیح است.]

کلید واژه ها: جمله ی ساده، گذرا به

دو مفعول، گذرا به مفعول و متمم،

نقش نمای متمم.

## مقدمه

در این مقاله سعی خواهد شد چند «بیاموزیم» را با یک واقعیت زبانی که در مقاله ی قبلی با عنوان «تحلیل زبان شناختی علیه وله» مطرح شد، مورد نقد و تحلیل قرار دهم. نگارنده صرفاً از دیدگاه زبان شناختی به نقد و تحلیل آن ها می پردازد نه از منظر نگارشی و ادبی. شاید نتایج به دست آمده بر خلاف گذشته ی زبان و عقاید بزرگان علم و ادب باشد. اما، با تمام احترامی که برای آن ها قایلیم، دانستن این نکته لازم و ضروری است که وظیفه ی زبان شناسی همزمانی، توصیف، توجیه و تبیین پدیده ها و واقعیت های زبانی گویش گفتاری معیار امروزی است، بدون آن که بخواهد تغییر یا مانعی در این پدیده ها و واقعیت های زبانی ایجاد کند.

\* خسرو عباسی؛ (متولد ۱۳۴۹، ساری)

دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اراک و مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و مدرس زبان و ادبیات فارسی در شهرستان ساری و مراکز دانشگاهی است.

به اعتقاد آن‌ها می‌توانیم به جای بعضی از جمع‌های مکسر، مفرد آن‌ها را همراه با نشانه‌ی جمع فارسی «ها» به کار ببریم؛ مانند «خبرها» و «کتاب‌ها» به جای «اخبار» و «کتب» و...

۲-۱ طرح سؤال

با طرح سؤالاتی به نقد و تحلیل این پیام‌آموز می‌پردازم:

الف - گویشوران زبان با کدام نشانه‌ی صوری که منطبق با قواعد جمع فارسی باشد، جمع‌های مکسر عربی را تشخیص دهند؟

ب - با کدام ملاک و معیار مشخص می‌شود که بعضی از جمع‌های مکسر در زبان فارسی معنی مفرد و بعضی‌ها معنی جمع دارند؟

۳-۱ پیشینه‌ی مطالعات

به اعتقاد «بهار» ممکن است قومی، به ضرورت‌های اجتماعی و یا عوامل دیگر، لغاتی را از قوم دیگر وام بگیرد، صورت اصلی و حقیقی آن را حفظ کند ولیکن آن را مطیع قواعد صرف و نحو خود نماید و مانند لغات ملی با آن‌ها رفتار کند. چنان‌که در قرون اولیه‌ی اسلام نویسندگان ایرانی با لغات عربی بیش‌تر چنین کردند. به اعتقاد وی صورت و تلفظ را کم‌تر تغییر دادند ولی در بخش معنا و صرف و نحو تغییراتی ایجاد نمودند... افزودن نشانه‌های جمع فارسی به جمع‌های عربی؛ مانند

«عجایب‌ها»، «منازل‌ها»، «ملوکان» و... که از نوع تغییرات صرفی و نحوی است.

۱. بیابان در نورد و کوه بگذارد  
منازل‌ها بکوب و راه بگسل

(منوچهری)

به اعتقاد وی ایرانیان میل نداشته‌اند صیغه‌ی جمع عربی را که در این لغت‌ها بوده است جمع بشناسند و برای این‌که معنی آن را درست بفهمانند، نشانه‌ی جمع فارسی نیز بر آن افزوده‌اند. وی هم چنین معتقد است که مفرد جمع‌های مکسر نیز با نشانه‌ی جمع فارسی به کار می‌رفتند. (سبک‌شناسی بهار، ج ۱، ص ۲۵۲)

«معین» نیز معتقد است نویسندگان و گویندگان پیشین، برای تصرف در کلمات مستعار، جمع‌های عربی را به سیاق فارسی مجدداً جمع بسته‌اند (مفرد و جمع، ص ۸۱) به اعتقاد وی فارسی‌زبانان این‌گونه جمع‌ها را در معنای مفرد استعمال کرده‌اند.

۲. حوران بهشتی را دوزخ بود  
اعراف (سعدی) (همان، ۷۷)

خانلری نیز معتقد است در آثاری که از اواخر قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم باقی مانده است موارد بسیار یافت می‌شود که جمع‌های مکسر را در حکم مفرد گرفته و بار دیگر با نشانه‌های فارسی جمع بسته‌اند. این‌گونه استعمال

در متون قدیم‌تر فراوان‌تر است و به تدریج از تعداد آن‌ها کاسته می‌شود. ۳. بر همه‌ی اطراف‌ها مردمان را برگماشت. (طبری) (دستور زبان خانلری، ص ۱۰۰)

نجفی معتقد است هرگاه کلمه‌ای به صیغه‌ی جمع باشد قاعدتاً نباید آن را دوباره جمع بست اما در موارد متعددی از این قاعده عدول شده است. به اعتقاد وی در قدیم بسیاری از جمع‌های مکسر عربی را در فارسی، مجدداً به «ها» یا «ان» و ندرتاً به «ات» جمع می‌بستند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آمال‌ها، ارکان‌ها، حروف‌ها و... این جریان در چند قرن اخیر نیز تداوم یافت اما در طی یک قرن گذشته، سستی گرفت. وی نتیجه می‌گیرد جمع جمع در مواردی که ذکر شد درست است اما بهتر است جز به ضرورت از استعمال آن‌ها خودداری شود. (غلط‌نویسیم، ص ۱۴۰)

۴-۱ بررسی و تحلیل

همان‌طوری که مؤلفین محترم در زبان فارسی (۳) در درس اول بدان اشاره نمودند و در مقاله‌ی قبلی نیز با عنوان «تحلیل زبان شناختی علیه وله» مطرح گردید، در هر زبانی قواعد خاصی در تمام بخش‌های آن، حاکم است. این قواعد نه تنها در مورد ساخت واحدهای زبانی خود، بلکه در مورد هر واحد زبانی زبان مبدأ، که وارد زبان مقصد

می شود در حکم صافی و فیلترهایی هستند که بر ساخت این واحدها نظارت دارد تا خود را با قوانین و قواعد زبان مقصد وفق دهد.

به اعتقاد میرعمادی این قواعد زبانی در ذهن گویشوران زبان وجود دارد، هر گویشوری بدون آگاهی و شناخت از این قواعد، آن‌ها را برای ساخت واحدهای زبانی به کار می‌گیرد. یکی از اهداف زبان‌شناسی نوین دست‌یابی، شناخت و توصیف این قواعد است (نحو زبان فارسی، ص ۶)

یکی از این قواعد، قواعد هم‌نشینی است که در مورد ساخت جمع فارسی این چنین حکم می‌کند:

اسم / ضمیر + [ها، ان، ات، ون، ین] مفرد و جمع و (سیر زبان‌شناسی، ص ۱۴۴)

حال اگر هر واژه‌ی قرضی چنین نشانه‌ی جمعی نداشته باشد طبق قواعد زبان ما در حکم یک واژه‌ی مفرد محسوب می‌شود و طبیعتاً مثل واژه‌های مفرد فارسی با نشانه‌های جمع فارسی، جمع بسته می‌شود.

جمع‌های مکسر، به دلیل نداشتن نشانه‌های صوری قابل تفکیک برای اهل زبان، در حکم یک واژه‌ی مفرد محسوب می‌شود و به همین دلیل به طور طبیعی با نشانه‌ی جمع فارسی دوباره جمع بسته می‌شود.

اهل زبان با دانستن جمع بودن یک واژه، آن را دوباره جمع نمی‌پندد و گرنه این اتفاق می‌بایست در مورد دیگر جمع‌های نشانه‌دار عربی (دارای تکواژ جمع) صورت می‌گرفت. اما این گونه نشد و یا به ندرت اتفاق افتاد.

معمولاً واژه‌های بیگانه در بدو ورود به زبان وام‌گیرنده خود را بیش‌تر با قواعد آن زبان انطباق می‌دهند اما سیر

نفوذ فراوان آن‌ها یا دخالت آگاهانه و آموزش مستقیم، روند طبیعی انطباق را مختل می‌کند. در مورد جمع‌های مکسر (همان طوری که بهار و نجفی اشاره نمودند) ← پیشینه‌ی مطالعات) چنین اتفاقی افتاد. در بدو ورود، جمع‌های مکسر دوباره با نشانه‌های جمع فارسی جمع بسته می‌شدند، اما دخالت آگاهانه و آموزش در طی زمان موجب تغییر در این روند طبیعی گردید. شاید به این دلیل (و دلایل احتمالی دیگر که نیاز به مطالعه و بررسی تاریخی دارد) مفرد بودن بعضی از جمع‌های مکسر و مطلق (ساده) بودن بعضی از صفت‌های تفضیلی عربی دستخوش تغییر شد.

اما این وضعیت برای دیگر نشانه‌های جمع عربی از قبیل: «ات»، «ین»، «ون» که دارای نشانه‌های صوری قابل تفکیک اند متفاوت است و احتمال این‌که دوباره با نشانه‌های جمع فارسی جمع بسته شوند بسیار ضعیف است. حتی این نشانه‌ها را با واژه‌های فارسی نیز به کار می‌برند.

ادیت موراپچیک (Edith Moravcsik) چند قاعده‌ی جهانی در مورد وام‌گیری مطرح نموده است. (که فقط به دو مورد اشاره می‌شود)

الف) تا چند واژه‌ی قاموسی (Lexical items) قرض گرفته نشود، تکواژ دستوری (Grammatical morphemes) قرض گرفته نمی‌شود.

ب) تکواژ وابسته تنها به صورت بخشی از یک واژه‌ی کامل قرض گرفته می‌شود. بعد از قرض‌گیری یک واژه‌ی کامل، تکواژ وابسته را از آن جدا می‌کنیم، سپس آن را به واژه‌ی بومی اضافه می‌افزاییم.

(تراسک، ۱۹۱۷:۳۱۴) سیر نفوذ واژه‌های فراوان عربی در

زبان فارسی موجب وام‌گیری تکواژهای دستوری جمع «ات»، «ین» و «ون» گردید.

## ۵-۱ نتیجه‌گیری

نداشتن نشانه‌ی صوری قابل تفکیک برای جمع‌های مکسر عربی و انطباق آن‌ها با قواعد زبان فارسی، عامل اصلی استعمال آن‌ها در مفهوم مفرد و افزودن نشانه‌های جمع فارسی به آن‌ها گردید. از طرف دیگر دخالت آگاهانه و آموزش مستقیم و عوامل دیگر، موجب تغییر در این فرایند طبیعی گردید. این تنوع کاربرد جمع‌های مکسر در مفهوم مفرد و جمع در دوره‌های مختلف، ملاک تشخیص مفرد یا جمع بودن آن‌ها را نیز در زبان فارسی با دشواری مواجه ساخته است.

## ۲. تحلیل زبان‌شناختی صفت‌های تفضیلی عربی

### ۱-۲ طرح مسئله

مؤلفین محترم، در بیاموزیم زبان فارسی (۱) ۳، کاربرد «تر» نشانه‌ی تفضیلی را با صفت‌های تفضیلی عربی بر وزن «أفعل»، نادرست می‌دانند و معتقدند چنین صفت‌هایی باید با همان شکل اصلی خود در فارسی به کار گرفته شوند.

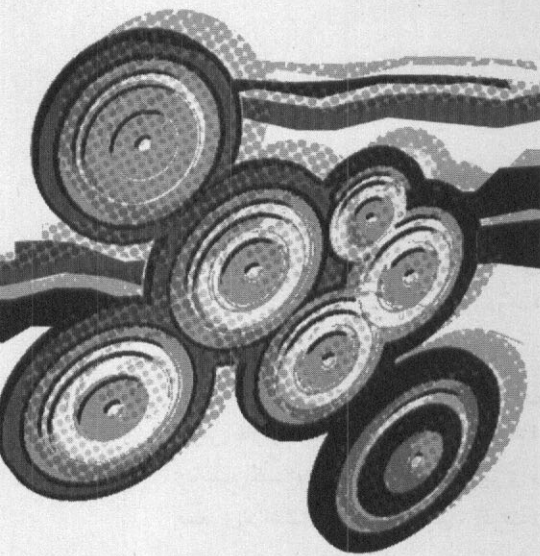
البته بعضی صفت‌های تفضیلی از قبیل اولی و... را مستثنا دانستند.

### ۲-۲ طرح سؤال

با طرح سؤالاتی همانند سؤالات مطرح شده برای جمع مکسر به نقد و تحلیل این «بیاموزیم» می‌پردازم:

الف - اهل زبان با کدام نشانه‌ی صوری که منطبق با قواعد تفضیلی زبان فارسی باشد، صفت‌های تفضیلی عربی را تشخیص دهند؟

ب - با کدام ملاک و معیار تشخیص



داده شود که بعضی از صفت‌های تفضیلی عربی در زبان فارسی صفت مطلق و بعضی‌ها صفت تفضیلی اند؟  
پ) آیا می‌توان آن‌ها را در همان جایگاه صفت‌های تفضیلی و عالی فارسی به کار برد که از نظر اهل زبان جمله‌ی دستوری تولید شود؟

**۲-۳ روش و ابزار گردآوری نمونه‌ها**  
در این پژوهش برای گردآوری نمونه‌ها هم از روش کتابخانه‌ای و هم از روش میدانی بهره گرفته شد.

نکته بعدی آن که نگارنده فقط صفت‌های تفضیلی عربی را که در عبارت‌ها یا ترکیب‌های فارسی به کار رفته‌اند، مورد توجه قرار داد نه صفت‌هایی که در دو فرهنگ «لغت‌نامه‌ی دهخدا و فرهنگ معین» نمونه‌ی کاربردی برای آن‌ها ارائه نشد.

#### ۲-۴ پیشینه‌ی مطالعات

در اکثر کتاب‌های دستور سنتی توجهی به کاربرد نشانه‌های تفضیلی و عالی فارسی با صفت‌های تفضیلی عربی نشده است. آنان اکثر به این نکته بسنده کرده‌اند که تفضیل عربی بر وزن «أفعل» به جای صفت‌های تفضیلی و عالی فارسی در زبان فارسی کاربرد دارد. نگارنده فقط به دو دیدگاهی که در این مورد نکاتی مطرح نمودند، اشاره می‌کند.

به اعتقاد خانلری صفت‌های عربی را که در بر وزن «افعل تفضیل» است، نمی‌توان با پسوندهای «تر» و «ترین» آورد. پس کلماتی مانند: ارشدتر، اکبرتر، اصلح‌تر غلط است. (دستور زبان خانلری، ص ۱۹۱)

«شعار» در دیدگاهی مخالف، افزودن پسوند «تر» به صفت‌های تفضیلی عربی (مانند اولی‌تر، اقرب‌تر و...) و نشانه‌ی جمع به جمع‌های مکسر

(مانند کتب‌ها، منازل‌ها، طلبه‌ها و...) یا افزودن پسوند کامل به اسم مکان عربی (مانند منزلگاه، میعادگاه و...) را منطقی می‌داند و این‌گونه توجیه می‌کند که کلمه بر اثر کثرت استعمال از حیث دلالت و مفهوم، ضعیف و نارسا می‌شود و افزودن پسوند این نقص را ترمیم می‌کند. (پژوهش در دستور، ص ۵۴)

#### ۲-۵ بررسی و تحلیل

همان طوری که در بخش (۴-۱) در مورد جمع‌های مکسر اشاره شد، قواعد ساخت و ترکیب واحدهای زبانی هر زبانی با زبان دیگر متفاوت است.

در مقدمه‌ی کتاب‌های زبان فارسی متوسطه، در بخش سخنی با «دبیران محترم و دانش‌آموزان عزیز» به این نکته اشاره شد که هر زبانی قواعد ویژه‌ی خود را دارد و نمی‌توان قواعد زبان‌های دیگر را بر آن تحمیل کرد. اگر قرار باشد درستی یا نادرستی کاربرد یا تلفظ واحدهای زبانی قرضی را با زبان مبدأ آن بسنجیم، پس تمام زبان‌های دنیا پر از غلط و اشتباه است! اما می‌دانیم چنین تحلیلی هرگز درست نیست. همان‌طور که می‌دانیم قواعد ساخت صفت تفضیلی و عالی فارسی به شرح زیر است:

صفت تفضیلی (برتر)؛ که به وسیله‌ی آن، موصوفی را در صفتی مشترک با یک یا چند موصوف دیگر می‌سنجیم و آن را بر موصوف یا موصوف‌های دیگر برتری می‌دهیم و با افزودن «تر» به آخر صفت مطلق پدید می‌آید؛ باهوش (صفت مطلق) + تر (نشانه‌ی صفت تفضیلی) = باهوش‌تر (صفت تفضیلی) در نمونه‌ی زیر:

۴. علی از احمد باهوش‌تر است، یا علی باهوش‌تر از احمد است.  
صفت عالی (برترین)؛ موصوفی را در صفتی مشترک، با همه‌ی

موصوف‌های هم‌جنس می‌سنجد و آن را بر همگان برتری می‌دهد و با افزودن «ترین» به آخر صفت مطلق ساخته می‌شود. مانند بزرگ (صفت مطلق) + ترین (نشانه‌ی صفت عالی) = بزرگ‌ترین (صفت عالی) در نمونه‌ی زیر:

۵. تهران بزرگ‌ترین شهر ایران است. (احمدی گیوی و انوری، دستور زبان، ۱۵۹)

در حالی که در زبان عربی در حالت مذکر بر وزن «أفعل» و در حالت مؤنث بر وزن «فعلی» است. اگر بعد از صفت (اسم) تفضیل، «من» باشد معنای صفت تفضیلی فارسی را می‌دهد؛ مانند نمونه‌ی زیر:

۶. علی اکبر من سعید (علی بزرگ‌تر از سعید است)

ولی اگر بدون «من» به کار رود معنای صفت عالی فارسی را خواهد داد؛ مانند نمونه‌ی زیر:

۷. أعظم العباده أجزاً أخفیها (عظیم‌ترین عبادت‌ها از نظر اجر و پاداش، مخفی‌ترین آن‌هاست). (محمدی، زبان قرآن، ۱۸۸)

با مقایسه‌ی صفت‌های تفضیلی و عالی فارسی با صفت‌های تفضیلی عربی هیچ شباهت ساخت واژه‌ی (صرفی) میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

نگارنده با بررسی و توجه به صفت تفضیلی عربی به کار رفته در زبان فارسی از گذشته تا کنون به این نتیجه ی فرعی دست یافت که می توان آن ها را در سه دسته کلی جای داد.

اول: بعضی از صفت های تفضیلی عربی کاربرد اسمی و اصطلاحی دارند؛ مانند اکبر، اصغر، اکرم، کبری، صغری، اعلم، احوط، اقوی، اقرب، ارشد و... که به عنوان اسامی انسان ها و اصطلاحات علمی و تخصصی کاربرد دارند. در حالی که چنین وضعیتی را نمی توان در مورد صفت های تفضیلی و عالی فارسی مشاهده نمود.

۸. «اکبر و اصغر» را دیدم.  
 ۹. «مجتهد اعلم» را از سه راه می توان شناخت. (رساله ی حضرت امام)

دوم: تعداد بیش تری نیز به شکل صفت مطلق (ساده) در قالب یک ترکیب به کار می روند که می توان مدعی بود به واژه های مرکب تبدیل شدند، یا در حال تبدیل شدن هستند. به نظر نگارنده، در واقع چنین صفت هایی در این ترکیبات کارکرد یک صفت ساده دارند، نه نقش و وظیفه ی صفت تفضیلی، که موصوف را با یک یا چند فرد یا چیز می سنجد؛ مانند نمونه های زیر:

۱۰. «اکمل»، در «به نحو اکمل»  
 ۱۱. «ارشد» در مقام ارشد، فرمانده ارشد، کارشناسی ارشد،

۱۲. «اشد» در اشد مجازات  
 ۱۳. «اقل» در حد اقل، اقل درجه  
 ۱۴. «اقصی» در اقصی نقاط

۱۵. «احسن» در «به نحو احسن»  
 البته برای بعضی از این صفت ها مفهوم صفت تفضیلی و عالی قابل برداشت است اما کاملاً محدودیت کاربرد دارند. به عبارت دیگر مانند

صفت های عالی فارسی در گروه های اسمی یا وصفی فعال نیستند؛ مانند نمونه های زیر:

۱۶. «اقصی» در اقصی (دورترین) نقاط که نمی توان اقصی شهرها یا اقصی مدارس گفت.

۱۷. «اسرع» در اسرع (سریعترین) وقت که نمی توان در (اسرع تلاش) یا (اسرع ساخت) به کار برد.

همین وضعیت در مورد صفت های تفضیلی مونت بر وزن فعلی نیز حاکم است؛ مانند:

۱۸. «سفلی» در عالم سفلی...  
 ۱۹. «صغری» و «کبری» در مقدمه ی صغری، مقدمه ی کبری...

(مثال ها از لغت نامه ی دهخدا و فرهنگ معین)

سوم: دسته ای از صفت های تفضیلی عربی در زبان فارسی در حکم صفت ساده و گاهی قید به کار می روند که حتی با نشانه ی «تر و ترین» نیز کاربرد دارند، مانند نمونه های زیر:

۲۰. الف - تحمیدی ها، نمونه هایی اعلای عالی) از فصاحت و بلاغت زبان فارسی به شمار می روند.

ب - بیایید! این جنس اعلا تر را بخرید.

۲۱. الف - اولاترین مکان برای دریافت کمک های مردمی، کمیته ی امداد است.

ب - خون، شهیدان را ز آب اولی تر است

این خطا از صد ضوابط اولی تر است (مولوی)

چند مورد از این صفت ها در فارسی نقش قیدی و صفت مبهم دارند؛ مانند نمونه های زیر:

۲۲. او اکثر کارهایش را به تنهایی انجام می دهد. (اکثر به معنی بیش تر

است که قید مقدار است.)

۲۳. اغلب مردم، تلویزیون تماشا می کنند. یا مردم، اغلب تلویزیون تماشا می کنند.

اما بخش دیگری از آن ها در جایگاه مشترک صفت مطلق و صفت تفضیلی فارسی به کار می روند؛ به عبارت دیگر هم مفهوم صفت ساده و هم مفهوم صفت تفضیلی از آن ها قابل برداشت است؛ مانند نمونه های زیر:

۲۴. باید کاندیدای اصلح (شایسته) یا شایسته تر) را انتخاب کرد.

۲۵. اصلح (شایسته یا شایسته تر) آن است که سخنان موافق و مخالف هر دو- را بشنویم.

اما چنین صفت هایی در جایگاه اصلی صفت تفضیلی دارای متمم «ازی» به کار نمی روند. منظور از جایگاه اصلی صفت تفضیلی آن است که جایگزینی صفت ساده و عالی به جای آن (صفت تفضیلی) موجب ناستوری شدن جمله می گردد یا حداقل تولید نمی شود.

(نشانه ی ستاره، نماد ناستوری بودن و علامت سؤال قبل از جمله، نماد تولید نشدن یا ناستوری بودن است.) مانند نمونه ی زیر:

۲۶. کدام فلسفه ی مدیریتی، ارجح از دیگری است.

نتایج حاصل از این بررسی تاریخی به شرح زیر است:

۱. تمام صفت های تفضیلی عربی، در زبان فارسی محدودیت کاربرد و کارکرد خاصی (جدای از زبان عربی) در زبان فارسی دارند. در واقع صاحب شناس نامه ی جدید در زبان فارسی شدند.

۲. تمام صفت های تفضیلی عربی، به جز چند مورد استثنایی، نقش و کارکرد صفت تفضیلی و عالی فارسی را



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت فصلنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه - ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه.

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

گروه اسمی میان صفت های تفضیلی عربی و صفت های عالی فارسی مشاهده می شود، اما به علت این که صفت های تفضیلی عربی کارکرد و کاربردی مانند صفت های عالی فارسی ندارند موجب نادرستی شدن جمله های دارای صفت های تفضیلی عربی گردیده است.

۳۲. الف - عظیم ترین عبادت ها از نظر اجر و پاداش، مخفی ترین آن هاست.

مقایسه ی بعدی در مورد تأیید و اثبات این ادعا که صفت های تفضیلی عربی دارای محدودیت کاربرد و کارکرد خاصی در زبان فارسی اند و در واقع در موقعیت های خاصی در هم نشینی با بعضی از واژه ها ظاهر می شوند، صورت می گیرد.

۳۳. الف - نماینده ی اصلح (نماینده ی شایسته) داریم اما عمل اصلح یا سخن اصلح نداریم.

### ۶-۲ نتایج و پیشنهادها

اول: هیچ نشانه ی صوری برای تشخیص صفت های تفضیلی عربی که منطبق با قواعد صفت تفضیلی ساز زبان فارسی باشد، وجود ندارد. چون اهل زبان هیچ نشانه ی صوری قابل تفکیک دال بر صفت تفضیلی بودن، در آن ها نمی یابند، آن ها را در حکم صفت مطلق می دانند در نتیجه افزودن «تر و ترین» به آن ها در حالت تفضیلی و عالی فرایندی کاملاً طبیعی است.

چنین فرایندی ممکن است که در طول تحول تاریخی یک زبان نیز اتفاق بیفتد. در فارسی دری بعضی از پسوندهای صفت تفضیلی و عالی دوره ی میانه و باستان رواج عام یافته

ندارند، بلکه جهت پر کردن خلأ واژگانی به کار گرفته شدند. به بیان دیگر در قالب اسامی و اصطلاحات و ترکیبات کنایی و... در فارسی فعال اند.

۳. تعداد اندکی از صفت های تفضیلی عربی در فارسی کارکرد صفت بیانی ساده دارند. اما به همان اندازه که در جایگاه صفت های تفضیلی و عالی فارسی برای برتری موصوفی بر موصوف یا موصوف های دیگر به کار نمی روند به همان اندازه به عنوان صفت بیانی ساده با نشانه های «تر و ترین» نیز به کار نمی روند. و این شاید دلیلی بر اثبات نتایج به دست آمده ی یک و دو باشد.

حال برای تأیید و اثبات این مدعا که صفت های تفضیلی عربی کارکرد و کاربردی مانند صفت تفضیلی و عالی فارسی در زبان فارسی ندارند و هر کدام از این صفت ها صاحب شناس نامه ی جدید در زبان فارسی شدند، به توضیح زیر توجه کنید. با مقایسه ی عبارت های امروزی دارای صفت تفضیلی و عالی فارسی و معادل عربی آن ها خواهیم دید که کاربرد صفت های تفضیلی عربی در جایگاه اصلی صفت تفضیلی و عالی فارسی منجر به نادرستی شدن عبارت ها می گردد یا حداقل چنین عبارتی تولید نمی شود.

نمونه های (۳۱-۳۰) نشانگر آن است که صفت های تفضیلی عربی کارکرد و کاربردی مانند صفت تفضیلی در زبان فارسی ندارند:

۳۰. علی از سعید بزرگ تر است.

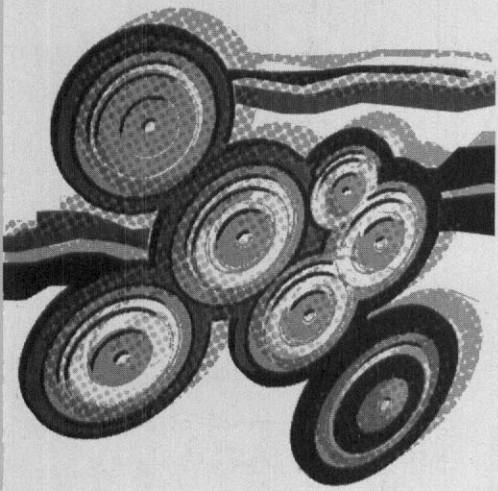
\* علی از سعید اکبر (ارشد) است.

۳۱. علی بزرگ تر از سعید است.

\* علی اکبر (ارشد) از سعید است.

اما در نمونه ی (۳۲)، هر چند

شبهاتی از لحاظ جایگاه قرار گرفتن در



است اما بعضی از این پسوندها به طور کامل متروک شدند و در حکم پسوندهای مرده در آمدند، در نتیجه اهل زبان چگونگی ساخت آن‌ها را فراموش کردند.

(ناتل خانلری، دستور زبان، صص ۱۴۷-۱۴۳)

دوم: در بیش تر موارد صفت‌های تفضیلی عربی به کار رفته در نمونه‌های فارسی، کارکرد و کاربرد صفت‌های تفضیلی و عالی فارسی ندارند؛ در نتیجه کاربرد صفت تفضیلی یا عالی فارسی به جای آن‌ها منجر به نادرستی شدن جمله می‌گردد، یا حداقل تولید نمی‌شوند.

سوم: در محدود مواردی می‌توان از صفت‌های تفضیلی عربی، مفهوم صفت تفضیلی یا عالی برداشت کرد، اما تمام آن‌ها دارای محدودیت کاربرد در زبان فارسی اند و در موقعیت‌های خاصی در هم نشینی با بعضی از واژه‌ها ظاهر می‌شوند. به عبارت دیگر مانند صفت‌های تفضیلی یا عالی فارسی در گروه‌های اسمی یا وصفی فعال نیستند. در نتیجه به کارگیری آن‌ها به جای صفت‌های تفضیلی و عالی فارسی منجر به نادرستی شدن جمله می‌گردد، یا حداقل تولید نمی‌شوند.

چهارم: القای این که صفت‌های تفضیلی عربی را به عنوان صفت تفضیلی بپذیریم با روح قوانین و قواعد زبان فارسی و هم با اهداف کتاب و هم به این دلیل که زبان فارسی تحت نفوذ قواعد صرفی و نحوی زبان عربی قرار نگیرد، ناسازگار است. زیرا صفت‌های تفضیلی عربی در گویش گفتاری و نوشتاری معیار امروزی و هم چنین در فارسی نوشتاری کتاب‌های درسی در جایگاه ویژه‌ی صفت تفضیلی فارسی مشاهده نشدند.

پنجم: به نظر نگارنده اطلاق نام

صفت تفضیلی به چنین واژه‌هایی با توجه به کارکرد متنوع آن‌ها در زبان فارسی، و به کار نرفتنشان در جایگاه ویژه‌ی صفت‌های تفضیلی فارسی، مناسب نیست. با توجه به نتایج به دست آمده، انتخاب عنوان «صفت به جای «صفت تفضیلی» مناسب تر می‌نماید.

#### منابع و مأخذ

۱. احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن، دستور زبان فارسی، تهران، فاطمی، ج دوم، ۱۳۶۸
۲. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی (تاریخ‌نگارانه فارسی)، تهران، امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۶۹
۳. شعار، جعفر، پژوهشی در دستور فارسی، تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۵۵
۴. غلامعلی زاده، خسرو، ساخت زبان فارسی، تهران، احیا کتاب، ۱۳۷۷
۵. محمدی، حمید، زبان قرآن (علم صرف)، تهران، نور، جلد اول، ۱۳۶۸
۶. مشکوة‌الدینی، مهدی، سیر زبان‌شناسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹
۷. معین، محمد، مفرد و جمع، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹
۸. میرعمادی، سیدعلی، نحو زبان فارسی (بر پایه‌ی نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گرایی)، تهران، سمت، ۱۳۷۶
۹. ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، تهران، توس، ۱۳۷۰
۱۰. -----، تاریخ زبان فارسی، جلد سوم، تهران، سیمرخ، ۱۳۷۴
۱۱. نجفی، ابوالحسن، غلط‌نویسیم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نهم، ۱۳۷۸

12.Trask. R.L., Historical Linguistics,  
London, by Arnold (P.314)1917



## برگ اشتراک مجله‌های رشد

### شرایط

- ۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- + نام مجله: .....
- + نام و نام خانوادگی: .....
- + تاریخ تولد: .....
- + میزان تحصیلات: .....
- + تلفن: .....
- + نشانی کامل پستی: .....
- استان: .....
- شهرستان: .....
- خیابان: .....
- پلاک: .....
- کدپستی: .....
- + مبلغ واریز شده: .....
- + شماره و تاریخ رسید بانکی: .....

امضا:

- نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
پست الکترونیک: [Email:info@roshdmag.ir](mailto:info@roshdmag.ir)  
شماره مشترکین: ۷۷۳۳۵۱۱۰ - ۷۷۳۳۶۶۵۶  
پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۳۹۲۳۲ - ۸۸۳۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).